

قلی کس

و

جشن تولد بچه‌های دنیا

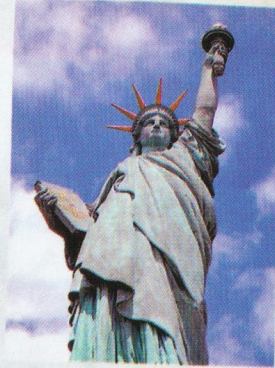
نویسنده: آنت لنگن
تصویرگر: گُنستانزا دروپ
مترجم: منیژه نصیری

کتاب‌های اعظمی



اگر برادرهای سوفی بزرگ‌ترین هدیه‌ی تولد دنیا را پیدا نمی‌کردند، شاید این همه اتفاق نمی‌افتاد. نیکلاس و جولوس پنجره‌های اتاق خواب‌شان را باز کردند و فریاد زدند: "سوفی! زود بیا بالا! نمی‌دانی که می‌خواهیم چه چیزی را نشانت بدهیم!" سوفی همراه فلیکس به سرعت از پله‌ها بالا می‌رود و این نوشته‌ها را در صفحه‌ای از یک کتاب می‌خواند:

این تصویر مجسمه‌ی گول‌پیکر آزادی است که به احتمال زیاد بزرگ‌ترین هدیه‌ی تولد دنیا باقی خواهی ماند! فرانسوی‌ها این مجسمه را به مناسبت صدمین سال تولد ایالات متحده‌ی آمریکا به مردم آن کشور هدیه دادند. این مجسمه از جزیره‌ی کوچکی که جلوی ورودی به بندر نیویورک است با مشعل طلایی‌اش راه را نشان می‌دهد. هفت تیغه‌ی تاجش را می‌بینی که مثل هفت پرتو نور است؟ آن‌ها به هفت دریای زمین اشاره دارند که از آن‌جا مردم به آمریکا مهاجرت کردند.



صبح، خشکی دیوار بزرگی از آسمان خراش‌اند. شبیه یک تکه‌ی ت؛ البته بدون امه‌ی سفر باید حالا می‌خواهم یم؛ چون آن قدر کم بنویسم. کمی

سوفی با خودش می‌گوید: "اوه، چه هدیه‌ی فوق‌العاده‌ای! حیف که توی حیاط ما جا نمی‌شود!" اما وقتی به آن هدیه‌ی تولد گول‌پیکر فکر می‌کرد، حس عجیبی داشت.

چقدر طول کشیده بود تا هدیه را باز کنند؟ کس دیگری هم که پنجه‌هایش مور مور می‌شد، فلیکس، خرگوش عروسکی بود.

